

ایران



به طبع کاراکتر و موقعیتی که تجربه می‌شود نوع بازی‌ها مسلماً تفاوت‌هایی داشته‌است، یکسری بازی‌ها که اکسپرسیونیستی نامیده می‌شوند و در موقعیت‌هایی انسانها دچارش می‌شوند داریم، مثلاً ممکن است شما لباسی متعلق به مادر خود و یا کاپشن فرزندان را در آغوش بگیرید نمی‌توان نام این بازی را اغراق شده گذاشت در واقع این نوعی بازی ذهنی است و افرادی که مستعد این قضیه هستند مسلماً چنین موقعیت‌هایی را بسیار تجربه می‌کنند، مثلاً ناهید از این دست افراد است و وقتی متوجه می‌شود که زمین واقعا دارد از دست می‌رود زمین را در آغوش می‌کشد، به نظر من به نوعی این عواطف و احساسات عمومی هستند، مثلاً کسانی که در غربت زندگی کرده‌اند پس از بازگشت به وطن چنین احساساتی را تجربه می‌کنند. بسیاری از انسانها عادت نکرده‌اند که عواطفشان را حتی برای خودشان ابراز کنند و درون‌ریزی می‌کنند. برای کاراکترهای این فیلم هم در موقعیت‌هایی چنین است و در موقعیتی‌هایی مثلاً ناهید می‌گوید: یکیتون یه موزیک بگذارید و تو رو خدا غمگین نگذارید شاد بگذارید و این عوالمی انسانی می‌باشد که بی‌مهابا پولهایش را

خرج کرده‌است و بخشی از تقصیرها به گردن اوست. به‌طور کل فکر می‌کنم که در این فیلم هیچ بازی بد و غلطی نداشتیم و بازیگران به شدت یکدست و عالی کار کردند.

در مورد طراحی صحنه و لباس آیا بیشتر به فضای ذهنی که نسبت به شخصیت‌ها و داستان و جغرافیایی که فیلم در آن شکل گرفته متعهد بوده اید یا به رئالیته موجود در جغرافیا؟

در مورد طراحی صحنه و لباس شما باید دو مورد را در نظر بگیرید یکی شرایط جغرافیایی و فرهنگی محل شکل‌گیری فیلم است و دیگری اینکه باید به رنگهایی که می‌خواهید در قاب‌های فیلمتان داشته باشید فکر کنید تا بتوانید مانند یک نقاشی از این رنگها بهره ببرید و من به هر دو مورد اهمیت می‌دادم و خانوم ملک جهان خرابی واقعا با مهارت تمام و تخصصی که در این زمینه داشتند فوق‌العاده کار کردند. لباس‌های گروه‌های مختلف به درستی مشخص و رنگ بندی قاب‌ها ترکیب منحصر به فردی شد.

برنامه‌های آتی فصل ماهی سفید برای جشنواره‌های خارجی چیست و تاکنون چه جوایزی را از جشنواره‌های بین‌المللی کسب کرده‌اید؟

قبل از کرونا فیلم به چند فستیوال رفت و در فکر این هستیم که با همکاری پخش‌کننده مناسبی فیلم به یکسری فستیوال‌های اروپایی هم برود که مسلماً برای دیده شدن فیلم بهتر خواهد بود. تا کنون چهار جایزه دریافت کرده ایم که دو جایزه بهترین اثر از جشنواره فیلم آنتاکیای ترکیه و جشنواره لیفت هندوستان بوده است که من به عنوان کارگردان دریافت کردم، یک جایزه بهترین بازیگر که آقای محمدرضا فروتن از جشنواره بین‌المللی فیلم بمبئی گرفتند و دیگری جایزه بهترین فیلمبرداری بود که جشنواره ایرانیان سانفرانسیسکو به آقای زرین دست اهدا شد.

به عنوان کارگردان چه دغدغه‌هایی برای ساخت این فیلم داشتید؟

حقیقتاً من هیچ ترس و دغدغه خاصی نداشتم به این دلیل که نزدیک به بیست و هشت سال است که در دنیای سینما هستم و از دوران کودکی هم تئاتر کار کردم و در دانشکده هم نیز در همین رشته تحصیل کرده‌ام آنقدر دوربین برایم آشناست که گویی در خانه خود هستم و من تمامی موارد را تا لحظه فیلمبرداری برای تغییر باز می‌گذارم چرا که معتقدم هر لحظه ممکن است پیشنهاد بهتری باشد یا خودم بخواهم تغییری ایجاد کنم به همین علت دغدغه‌ای ندارم فقط می‌خواهم که بازیگران درست رله شوند و جلو دوربین اتفاقی که باید بیافتد که از این موضوع هم از قبل مطمئن می‌شوم و وقتی بازی‌ها جا افتاده باشد و پشت دوربین هم شخصی مانند آقای زرین دست نشسته باشد همچگونه نگرانی وجود ندارد.

در مورد اکران فیلم و مسائل مربوط به آن برایمان بگویید
امیدوارم این اتفاق روز به روز بهتر شود در حال حاضر سینماهای ما کم است و بعضی از سینماها تک سئانس هستند، تبلیغات نداریم و به نسبت قابلیتی که خود فیلم دارد پرزنتیشنش پایین است و جا دارد که بیش از این باشد و در برابر فیلمی که دویست و پنجاه سینما را در اختیار دارد چه توقعی میتوانیم داشته باشیم امیدواریم که سینماهای بیشتری به این فیلم تخصیص داده شود تا بیشتر در دسترس مخاطبین قرار گیرد و متأسفانه کمی در این مورد ضعف داریم، بسیار امیدواریم که آقای اسماعیلی با توجه به حسن نیتی که در ایشان سراغ داریم و همکاری بسیار خوبی که همیشه دارد تدابیری اتخاذ کنند تا اتفاقات بهتری را در این زمینه رقم بزنیم که سینماها و همینطور تبلیغات بیشتری داشته باشیم.

سخن پایانی

از تیم صبا تشکر می‌کنم همینطور از مخاطبان صبا و خواهش می‌کنم از مردم خوب ایران که بروند و فیلم را ببینند. مطمئن باشند که اینکار بسیار دیدنی است و بازی‌های جذاب، فیلمبرداری و صحنه‌های زیبایی دارد. همه بازیگران جدید و قدیمی در کنار هم بسیار عالی چفت شده‌اند. این فیلم قصه محور است و قصه به شدت گیرایی دارد. مخاطبین در کنار فیلم‌های کمدی که می‌بینند چند فیلم جدی هم ببینند. فیلم ما هم درام است اما در لحظاتی خنده بر لب مخاطب می‌آورد و آنها را به تفکر وامی‌دارد و این وظیفه همه ما است که از فیلمهای اجتماعی حمایت کنیم.

رها خدایاری:

نیاز به آگاهی بیشتری نسبت به جهان پیرامونمان داریم لطفاً مختصری از رزومه و چگونگی ورودتان به دنیای هنرهای نمایشی و تصویری بگویید.
ورود من به این عرصه کاملاً تجربی بود در خانواده و یا اطرافیانم

کسی نبود که مشغول این حرفه باشد و خیلی اتفاقی در صحنه یک تمرین تئاتر نقشی را خواندم که با توجه کارگردان روبرو شد و لیدی مکبث آن نمایش اولین نقش من برای ورود به جهان هنرهای نمایشی شده این ترتیب کار را حدود هجده سال پیش با تئاتر آغاز کردم و با تله فیلم ادامه دادم، اولین کار حرفه‌ای سریال من "یادآوری" به کارگردانی آقای حجت قاسم زاده اصل بود و بعدها با سریال "لحظه گرگ و میش" آقای همایون اسعدیان و سریال‌های دیگر ادامه پیدا کرد. اولین تجربه سینمایی ام به کارگردانی آقای مهدی جعفری و فیلمی به نام "ایستگاه اتمسفر" بود که در جشنواره فجر حضور داشت، مجموعه "آنها" اثر آقای مهدی آقاجانی که تهیه‌کنندگی آثار پرستویی را داشت و در زمینه سریال‌های نمایش خانگی اولین تجربه من بود و آخرین سریال هم اثری به نام "هفت" به کارگردانی آقای کیارش اسدی زاده است که آغاز به پخش آن احتمالاً اواسط مرداد خواهد بود. پروژه فصل ماهی سفید را حدوداً چهار سال پیش آغاز کردیم که اکران آن به خاطر کرونا و بعد از آن هم وضعیت کشور تا به امروز طول کشید هر چند که من معتقدم که قصه ما همیشه به روز است اما چون به نوعی مرتبط با کره زمین و درد انسانهاست از ویژگی بدون زمان بهره می‌برد.

از نحوه انتخابتان برای نقش و تحلیلتان از موقعیت‌هایی که او تجربه میکند بگویید

آقای نجفی دوستی بسیار محترم و فردی نهایت باسوادی هستند که همکاری با ایشان باعث افتخار من است، زمانی که مشغول نوشتن فیلمنامه بودند با من تماس گرفتند که خانوم خدایاری من نقشی دارم و در حین نوشتنش مدام شما به ذهنم می‌آید پس از آن در صحبت‌هایمان با آقای نجفی در مورد نقش ژیل، تعریفشان از نقش چنین بود که کاراکتر در تهران زندگی می‌کرد و مربی ورزش بود، یک دختر اهل تفریح و خیلی شاد، من هم به این بکراند ویژگی‌هایی اضافه کردم. زمانی که آن اتفاق برای ژیل می‌افتد او فرو می‌ریزد و واکنش دنیای اطرافش که او را دعوت به سکوت می‌کنند ضربه بعدی را هم به او می‌زند من تلاش کردم تا تفاوت حالت رفتاری و روحی او را قبل و بعد از آن اتفاق به شکل باور پذیری اجرا کنم.

چه ویژگی‌های در یک نقش و یا در یک اثر بودن در آن پروژه را برای شما جذاب می‌کند؟

من شغل دومی دارم که کاملاً بی‌ربط به هنر است و برایم این امکان را فراهم کرده تا مجبور نباشم برای گذران زندگی در هر اثری حضور داشته باشم. در پذیرفتن یک نقش کلیت فیلمنامه، چالش فیلم و اینکه چه چیزی برای گفتن دارد برایم بسیار مهم است. در انتخاب نقش پاساژهای حسی برایم بسیار جذاب است و در این اثر هم بیش از شیطنت‌های نقش ژیل مواجهه او با آن اتفاق هولناک برایم جالب بود. از طرفی گروه هم گروه بسیار همدلی بود، خانوم مستوفی که جادار از ایشان بسیار تشکر کنم هم بخاطر اینکه یک همکار خوب هستند و مضاف بر آن یک دوست فوق‌العاده برای من. به‌طور کل اینکه در یک نقش چقدر عمیق شویم و چه چیزهایی را در موردش بدانیم حیاتی است و همین نقش آفرینی را خاص می‌کند، تمام کارهایی که به من پیشنهاد شده و آنها را نپذیرفتم به این دلیل بود که مرا به چالش نمی‌کشید و از عمق کافی بهره‌مند نبود با اینکه گاهی نقش اول اثر بودند.

در چه نقش‌هایی دوست دارید که در آینده بازی کنید و اینکه آیا تمایل به بازی در نقش‌های منفی هم دارید؟

به نقش‌هایی که در دهه‌های چهل، پنجاه و شصت در سینما وجود داشت علاقه دارم بخصوص نقش‌های خانوم سوسن تسلیمی مثلاً کاراکتر زن در "مرگ یزدگرد" و یا در "باشو غریبه کوچک" و در فیلم‌های اخیر هم نقش خانوم لیلا حاتمی در فیلم "در دنیای تو ساعت چند است" به نظرم نقش بسیار پخته و درستی بود. در مورد بازی نقش منفی میتوانم بگویم که نقشم در سریال آقای کیارش اسدی زاده که بزودی به پخش می‌رسد را خیلی دوست دارم که به نوعی خاکستری به حساب می‌آید و متفاوت از تمام بازیهایم تا کنون است.

در آخر دوست دارید برای فیلم فصل ماهی سفید چه اتفاقاتی بیافتد؟

من واقعا امیدوارم که مخاطبین به دیدن اثر بروند اول بخاطر اینکه فیلم متعلق به سینمای مستقل است، دوم اینکه آقای قربان نجفی و تمام تیم برای اینکار بسیار زحمت کشیده‌اند و سوم اینکه جدای از بخش سرگرم‌کنندگی سینما همه ما نیاز به آگاهی بیشتری نسبت به جهان پیرامون خود داریم و فکر می‌کنم که اگر کمی به دیالوگ‌های فصل ماهی سفید گوش کنیم و در موردشان به تفکر بپردازیم متوجه خواهیم شد که بی‌ربط به زندگی‌مان نیست و حرف جامعه و خاکی است که در آن زندگی می‌کنیم.